

لویی ماسینیون



مصایب حلاج

عارف شهید قرن چهارم هـ ق



ترجمهٔ دکتر سید ضیاء الدین دهشیری

با ویرایش جدید

نمایه مطالب

۱۱	مقدمه‌ی مترجم.....
۱۷	سراغاز.....
۲۱	فصل اول. زندگی‌نامه
۲۳	۱- ترجمه‌ی زندگانی حلاج به روایت پسرش حمد.....
۳۱	۲- جدول وقایع زندگانی حلاج برحسب تاریخ وقوع.....
	فصل دوم: سال‌های نوآموزی
۳۵	۱- محیط ولادت او.....
۳۵	الف - شهرزاد گاه وی بیضاء.....
۳۶	ب - نام‌های او.....
۴۰	ج - نخستین دوره‌ی کودکی او در واسط.....
۴۴	۲- مرشدان و یاران او.....
۴۴	الف - ۱- منابع در باب زندگینامه او.....
۴۵	۲- در باب مشرب وی.....
۴۷	۳- بحران سنت.....
۴۸	ب - سهل‌تُستری.....
۵۱	ج - عمرو مکی.....
۵۲	د - جنید.....
۵۶	هـ - نوری.....
۵۸	و - ابوبکر فوطی.....
۵۸	ز - شبلی.....
۶۰	ح - ابن عطا.....
۶۳	ط - ابن فاتک.....
۶۵	۳- داستان‌هایی پیرامون سال‌های نوآموزی.....

الف - جامه‌های گوناگون او	۶۵
ب - نخستین دیدارش با جنید	۶۷
ج - نخستین اقامت در مکه	۶۹
۴- نخستین بحث‌ها	۷۱
۱- گفتگوها با نهرجوری	۷۱
۲- قطع رابطه با مکی	۷۲
۳- دیدار با ابراهیم خواص	۷۳
۵- قطع رابطه با جنید	۷۵
۱- روایت خلدی	۷۵
۲- داستان اناالحق	۷۶
فصل سوم: مسافرت‌ها و تبلیغ اندیشه‌ها	
۱- رموز و تمثیلات تبلیغ او در میان مردم	۷۸
الف - روایات او	۸۱
ب - حدیث‌های قرمطیان	۸۲
۲- مقصود وی از تبلیغ	۸۵
الف - ارج اخلاقی و عرفانی آن	۸۵
ب - نمونه زندگی شخصی او	۸۶
ج - نقش سیاسی، روابط اجتماعی، اتهام توطئه	۸۷
۳- کشورهایی که حلاج درنوردید	۹۳
الف - تقسیم کلی آنها	۹۳
ب - مأموریت تبلیغاتی وی در خراسان	۹۴
ج - سفر وی به خراسان	۹۶
د - سفر به مرز چین	۱۰۳
۴- داستان‌ها	۱۰۵
الف - آتشکده تُستر	۱۰۵
ب - مسجد بصره	۱۰۶
ج - دستگاه اطلاعاتی	۱۰۸
د - کشمکش در اصفهان	۱۰۸
هـ - نوروژ در نهاوند	۱۰۹
و - روایات القناد	۱۰۹
ز - دیدار بیت المقدس	۱۱۱

۵- «آوردن اشیاء»، خوردنی‌ها	۱۱۳
الف - دومین اقامت در مکه	۱۱۳
ب - روایت حلوانی	۱۱۵
ج - افسانه سمرقندی	۱۱۶
د - روایت‌های ابن ابی‌سعدان و ابن جندی	۱۱۷
هـ - نظریه لاف‌زنی حلاج برحسب روایت تنوخی	۱۱۸
فصل چهارم: موعظه و ارشاد همگان و تهمت سیاسی	
۱- موعظه عام در بغداد	۱۲۳
الف - سیمای قطعی مأموریت تبلیغاتی حلاج	۱۲۵
ب - عامه مردم بغداد و صحنه و موعظه و تبلیغ حلاج	۱۲۹
ج - سخنان او در جمع مردم	۱۳۳
د - تهمت اظهار کرامات در ملاء عام	۱۴۱
۲- اتهام سیاسی: دعوة الربوبیه	۱۴۷
الف - منشأ شیعی این اتهام: غلو	۱۴۷
ب - عقیده امامیه در باب حق الهی	۱۴۹
ج - سیاست قدرتمند چند خانواده ایرانی بنونویخت	۱۵۰
د - روابط حلاج با امامیه	۱۵۷
هـ - خصومت سیاسی بنونویخت در حق حلاج	۱۶۲
فصل پنجم: اتهام، دادگاه، بازیگران این صحنه فجیع	
۱- اتهام و نقش ابن داوود	۱۶۷
الف - نظریه مانوی در باب عشق	۱۶۹
ب - مشاوره‌های قضایی و فقهی	۱۷۰
ج - نحوه رفتار ابن‌سریج	۱۷۴
د - شخصیت ابن داوود	۱۸۸
۲- جرم زندقه	۱۸۸
الف - تکفیر و بی‌حاصلی آن	۱۸۸
ب - اصطلاح زندقه و تأثیر آن	۱۹۱
ج - زندقه و تصوف	۱۹۴
۳- دادگاه، صلاحیت و اختیارات آن	۱۹۸
الف - دیوان عالی دادگستری	۱۹۸
ب - احکام محاکم	۲۱۸

فصل ششم: محاکمات	۲۲۵
۱- نخستین محاکمه ۹۱۳-۳۰۱	۲۲۷
الف - پیگردها، الدباس	۲۲۷
ب - بازداشت در شوش	۲۲۸
ج - بازپرسی در بغداد	۲۳۰
د - به شکنجه گاه بردن	۲۳۲
هـ - انتقال از زندان‌ها	۲۳۳
۲- دومین محاکمه ۹۲۱-۳۰۸	۲۳۶
الف - نظر درباریان به حلاج	۲۳۶
ب - افشای راز حلاج در نزد رئیس قراء از طرف آوارجی، نقش بن مجاهد	۲۳۹
ج - وظیفه بازپرسی ابن عیسیٰ به حامد منتقل می‌شود	۲۴۴
د - مقدمات کار	۲۴۶
هـ - رسیدگی به موضوع پرونده	۲۴۹
و - رفتار زندانیان در زندان	۲۶۰
۳- فتوا (حکم) محکومیت	۲۶۹
الف - نخستین مشاوره با قضات	۲۶۹
ب - مستمسک فقهی (قضایی)	۲۷۰
ج - مشاوره قضات شرع	۲۷۳
د - جلسه محکومیت	۲۷۵
هـ - تأیید حکم محکومیت و دستور اجرای آن	۲۸۰
فصل هفتم - شهادت	۲۷۳
۱- روایت ابن زنجی	۲۷۵
الف - گواهی ابن زنجی معاون تقریرنویس محکمه	۲۸۵
۲- حوادث فرعی جداگانه	۲۸۹
الف - آخرین شب	۲۸۹
ب - وصایا، میراث	۲۹۲
ج - رسیدن به عرصهٔ پل	۲۹۳
د - تازیانه زدن و مثله کردن	۲۹۶
هـ - مصلوب کردن و ضربه خلاص	۲۹۷
۳- روایت‌های تألیفی، در باب شکنجه حلاج	۳۰۰
الف - روایت رزّاز	۳۰۰
ب - روایت حمد	۳۰۱

ج - روایت منسوب به ابن خفیف و نقش حامد وزیر	۳۰۱
و - مقایسه سه روایت	۳۰۴
۲- حوادث فرعی پس از مرگ	۳۰۶
الف - طغیان رودخانه	۳۰۶
ب - عقیده به عوض شدن حلاج بردار	۳۰۷
۵- رویت‌های حلاج پس از مرگ او	۳۱۰
الف - ابن فاتک	۳۱۰
ب - ابوالیمان واسطی	۳۱۱
ج - شبلی و دیگران	۳۱۲
۶- حواشی و تعلیقات	۳۱۴
الف - حاشیه‌ای بر رباعی «ندیمی»	۳۱۴
ب - شرحی بر عبارت «حسب الواجد»	۳۱۶
ج - وقایع تاریخی سال ۳۰۹/۹	
فصل هشتم: حلاج در برابر اسلام	۳۲۱
۱- حلاجیان: بطلان کیش اولیه	۳۲۳
الف - اخراج آنان از شرع	۳۲۳
ب - فرقه اهوازی: الهاشمی	۳۲۵
ج - فرقه خراسانی: فارس	۳۲۷
د - فرقه بغدادی: صیدلانی	۳۲۸
هـ - وضع ابن شبّاس	۳۲۸
۲- ذکر حلاج و نوحلاجیه	۳۳۰
الف - به روایت نسیمی	۳۳۰
ب - به روایت سنوسی	۳۳۲
۳- حقانیت حلاج، ارج و اعتبار تکفیر	۳۳۴
الف - به صورت «اجماع»	۳۳۴
ب - از نظر ماهوی (ماهیت موضوع)	۳۳۶
۴- جدول آراء و عقاید در این باب	۳۴۱
الف - در نزد فقهاء برحسب مذهب	۳۴۲
ب - در نزد متکلمین: برحسب نحله‌ها	۳۴۴
۵- ولایت حلاج	۳۴۶
الف - ارتقاء به مقام اولیاء در اسلام	۳۴۶
ب - عقیده به ولایت حلاج	۳۴۹

۶- یادگارهای بزرگداشت حلاج ۳۸۱

الف - مقبره او در بغداد: زیارات و نقش بناها ۳۸۱

ب - «مقام» در موصل ولالش ۳۸۲

ج - اعزاز و اکرام عام ۳۸۳

فصل نهم - حلاج در برابر تصوف و عرفان

۱- دوره مباحثات و مشاجرات (۳۰۹-۴۶۰) ۳۸۷

الف - مخالفان او: از ابن شبیبان تا ابن پاکویه ۳۸۷

ب - طرفداران رأی ممتنع: قشیری ۳۹۰

ج - هواداران او ۳۹۱

د - ابن ابی الخیر ۳۹۲

۲- حلاج و طریقت‌های دینی بعدی ۳۹۴

الف - طبقه‌بندی آنها ۳۹۴

ب - عقاید ویژه آنان ۳۹۵

فصل دهم - افسانه

۱- افسانه عالمانه ۴۱۳

الف - در زبان عربی ۴۱۵

ب - در زبان پارسی ۴۲۰

ج - در زبان ترکی ۴۲۴

د - در زبان هندوستانی ۴۲۶

۲- افسانه عامیانه ۴۲۷

الف - دو نوع مجالس و «خوارق عادات» ۴۲۷

ب - محاکمه در افسانه ۴۳۹

مقدمه‌ی مترجم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ

بعد الحمد و الصلوة، مؤلف ارجمند کتاب حاضر، پروفیسور لوئی ماسینیون، در ۲۵ ژوئیه سال ۱۸۸۳، در نوژان کشور فرانسه، در خانواده مردی هنرمند به نام «پیرروش» که حجاری‌های ظریفی از او به یادگار مانده است، قدم به عرصه وجود نهاد و پس از تحصیل درجه دکتری، در دو مؤسسه عالی‌تدر تعلیمات عالیہ آن سرزمین، به افاضه و تدریس و تحقیق پرداخت. آن دو مؤسسه علمی عبارت بودند از: کُلژ دو فرانس، که فرانسوآی اول در سده شانزدهم پی افکند و دیگری مؤسسه تتبعات عالیہ سُرن، که در قرن گذشته، به فرمان ناپلئون سوم بنیاد یافت. لوئی ماسینیون از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۵۴، یعنی مدت سی و پنج سال در کُلژ دو فرانس متصدی کرسی جامعه‌شناسی اسلامی بود و از ۱۹۳۲ به بعد، درس مزبور را، با کرسی اسلام‌شناسی بخش علوم دینی مدرسه تتبعات عالیہ توأم کرد و هر دو را خود تمشیت نمود. در سال ۱۹۵۴، گرچه به سن بازنشستگی رسیده بود، باز هم ریاست مؤسسه تتبعات عالیہ ایرانی دانشگاه پارسی را رها نکرد و تعلیمات مختلفه مربوط به تمدن و فرهنگ ایران را که در مؤسسات متنوع تعلیمات عالیہ در پاریس فرا گرفته بود، تحت نظارت خود داشت.

این پژوهشگر گرانقدر در سراسر زندگی پرثمر خویش، با شور و شوق وافر در همه مراحل زندگی کوشید و جوشید و بیش و کم ۶۱۳ اثر از خود به یادگار نهاد. در فهرستی که یکی از شاگردانش به نام یحیی مبارک آراسته است، از این ۶۱۳ کتاب و رساله و مقاله یاد شده است (تا سال ۱۹۵۶ و در شش سال بعد از آن، یعنی تا آستانه

بدرود حیات هم، قریب بیست مقاله دیگر نوشت).

نخستین مقاله وی در سال ۱۹۰۶ نشر گردید و ۵۶ سال تمام، این محقق خستگی ناپذیر و این خداپرست نیک نهاد که حتی از اجرای مراسم دینی هم هرگز غفلت نمی‌ورزید، و در اوقات معهود و بر شیوه معمول مردان خدا، آداب کیش خویش را رعایت می‌کرد و از خواندن اوراد و اذکار روی بر نمی‌تافت، پی‌درپی آثاری جالب و جاذب نشر کرد. دل‌بستگی وی به ایران و توجه ویژه‌ای که به تصوف و علم باطن و حقایق معنوی داشت، سبب گردید که در عصر و مصر خود بزرگترین صاحب‌نظر در این زمینه گردد و تحقیقاتش چنان ژرف و شگرف باشد که همه ارباب حقیقت و اصحاب طریقت را در سراسر جهان بدان نیاز افتد.

از جمله می‌توان گفت که محقق نامدار، پروفیسور هانری کربن هم - که بخشایش الهی چراغ هدایت فراراه داشت - در آخر عمر به دین شریف اسلام تشرف یافت. از همان عنفوان شباب و ریعان عمر، آنگاه که تازه به عالم شرف‌شناسی روی می‌آورد، از انفاس شورانگیز و مشعل دانش وی پرتو گرفت و کسب فیض کرد. در همان اوان بود که ماسینیون نسخه‌ای از چاپ سنگی «حکمة الاشراق» شیخ شهید، شهاب‌الدین شهروردی، تَعَمُّدَهُ اللهُ بِرَحْمَتِهِ را که در ضمن یکی از سفرهایش به ایران - مهد حکمت و عرفان - به فرنگستان برده بود، در اختیار پروفیسور کربن بگذارد. شگفتا که روزی کربن، از شاگردی نمودن، استاد ماهر شد و خود برمسند تدریس و تحقیق استاد تکیه زد، و به‌حق در خور چنین مسندی هم بود، طاب‌الله‌ثراه.

عارف شهید حسین بن منصور حلاج، که در کتاب حاضر موضوع بحث و مطمح نظر است، ماسینیون را در مطلع جوانی، الهام بخشید، به‌ویژه نصی که در آن جلال‌الدین محمد بلخی، مولوی، اظهار می‌کند که پس از دو قرن و نیم بعد از مرگ حلاج، نور و فرشته او در برابر روح عطار تجلی کرده و راهنمای معنوی و پیر دلیل وی آمده است، وی را سخت مسخر کرد. هم او است که ما را در طریق درک مفهوم راستین تاریخ معنوی یار و مددکار آمده است. ماسینیون در آغاز جوانی، وقتی آرامگاه حلاج را در بغداد زیارت کرد، آن را متروک و مخروب یافت و ناگهان حالتی در وی پدید آمد که طریق شناخت اسلام در ایران را یافت و در باب سلمان پاک و حضرت صدیقه کبری، فاطمة الزهراء سلام‌الله‌علیها، به‌نگارش صحائفی چند دست برد، و الحق باید اعتراف کرد که این آثار

سرشار از الهام شیعی، به‌عالی‌ترین صورت، است.

به‌طور مسلم، کشورهای اسلامی که بیش از همه وی با آنها مانوس و مألوف بود، همان ممالک اسلامی عربی است و به‌ویژه در اواخر عمر بدانجا رسیده بود که می‌گفت: ایران اسلامی، بر این حقیقت گواهی می‌دهد که اسلام بذاته و در گنه و جوهر خود، ادراک و حقیقتی است دینی و مبنی بر وحی و خود را با هیچ نژادی، هیچ ملتی، یا هیچ دولتی، یا هیچ سیاستی محدود و بدان مقصور و محصور نمی‌داند که: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ.

ماسینیون در سراسر عمر آرامش ضمیر خود را در پرتو دو مکان گرامی: (مسجد و باغ) که هر دو در اسلام پیوندی نزدیک با هم دارند می‌جست. هرگاه به باغ اندر می‌شد، آیتی از پس پرده غیب جلوه‌گر می‌دید، به‌ویژه در فصل بهاران که: فَأَنْظُرُوا إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا... و به قول شیخ اجل سعدی:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هرورقش دفتری است معرفت کردگار و نیز:

توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد ماسینیون از برکت هدایت معنوی حلاج سرانجام توفیق یافت که مردم را به اهمیت و علو مقام عارف بزرگ قرن ششم هجری، روزبهان بقلی شیرازی رضوان‌الله‌علیه آشنا گرداند.

سیمائی دیگر که ماسینیون را در طریق وصول به قلب اسلام در ایران و حتی به حریم ضمیر تشیع راهنمون افتاد، همان هادی طریقت و خضر راه حقیقتی است که این پیش‌نام بردیم، یعنی سلمان پاک^۱، سلمان طاهر، سلمان محمدی، سلمان پارسی، که پس از طی مراحل مسیحیت، در جستجوی پیامبر راستین برآمده و یکی از صحابه مقرب و محارم اسرار نبی اکرم (ص) گردیده و سرانجام به فرزندخواندگی آن خاندان قدسی سرفراز آمده است. چنان‌که برلسان مبارک آن جناب رفته است که: سَلْمَانٌ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ.

ماسینیون مفهوم فداکاری و جانبازی سلمان، در راه مقصد و آئین شیعه را در حدیث مشهور و معروفی یافت که امام به‌حق ناطق حضرت جعفر بن محمد الصادق (ع) در آن

۱- این کتاب توسط دکتر علی شریعتی و اثر دیگر او به نام «منحنی زندگی حلاج» توسط دکتر فرهادی